

گفت‌وگویی دیگر میان مدیرمسئول «شرق» و دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی

در ستایش راهبرد

اسدالله بادام‌چیان:

مشکل داریم اما مطابق تعریف علمی در ایران بحران نداریم



جناب آقای رحمانیان، مدیرمسئول محترم روزنامه شرق با سلام

از ارسال پاسخ به نامه یازدهم و نیز از چاپ دو نامه من و شما در روزنامه مورخ ۹/۲۵ نیز تشکر دارم.

نظر شما بر صراحت کلام امری پسندیده است، این نظر من هم هست. لذا به صراحت نظراتم را درباره اصلاحات نوشتم. انتظار داشتم حضرت‌عالی هم نظرات خودتان را درباره جریان اصلاحات و اصلاح طلبی به مفهوم یک جریان و تجمع سیاسی بنویسید و اگر نظر مرا صحیح نمی‌دانید توضیح دهید تا خوانندگان محترم و نسل جدید و آینده با نظرات و منطق و استدلال بنده و شما درباره اصلاحات و اصلاح‌طلبان آشنا شوند. ولی اختیار با شماست. من اصراری ندارم خوشحال هم شدم که در چاپ نامه اخیر در روزنامه مورخ ۹/۲۵ عنوان کرده‌اید (به نفع حل مشکلات، از گذشته عبور کنیم) من هم کاملا موافقم.

البته در پاسخ اخیر شما چند نکته وجود دارد که نیاز به توضیح دارد، این توضیحات را می‌دهم و بعد هم درباره مشکلات و راه‌حل‌های آن صحبت خواهم کرد و شیوه جدید را بر حسب خواست شما پیگیری می‌کنم و از گذشته‌ها و متون نامه‌های می‌گذرم.

ابتدا درباره نامه حضرت‌عالی:

۱.نوشته‌اید اصلاحات با دو گروه مخالف قسم‌خورده مواجه بوده و مواجه هست. یکی از آنها که جریان اصلاح‌طلبی را مانعی برای پایان کار جمهوری اسلامی دانند ۲. شما و هم‌فکرانتان (مقصود بنده و هم‌فکران بنده است)

این پاسخ عجیبی است لطفا توضیح دهید.

چه کسانی هستند که جریان اصلاحات را مانع برای پایان کار جمهوری اسلامی می‌دانند لطفا برای شفافیت نام ببرید. در بخش ما و جریان ما معلوم است که ما جریان اصلاحات دوم خرداد و اعتدالی را قبول نداریم- و آن را جریانی با تفکر رو به غرب می‌دانیم و مطابق با دیدگاه‌ها و نظرات اسلام امام خمینی (ره) و فقا‌هت و اصل امامت و ولایت نمی‌دانیم و عملکرد این جریان را مضر و مشکل‌آفرین یافته‌ایم. همین‌طور که من در نامه‌هایم شرح دادم ولی مخالف شما نیستم، بلکه همواره شما را تحمل کرده و خواسته‌ام که جریان اصلاحات به اف‌شوش ملت برگردد. یازده نامه من نیز بهترین شاهد و گواه است و خوشحالم که این نامه‌ها در محتوبات شرق هم اثر داشته است. من هم قبول دارم که هر کسی نامه‌ها را بخواند با تفکر و منطق و نگاه و نگرش امثال ما و اصلاح‌طلبان تا اندازه خوبی آشنا می‌شود. درباره اینکه ما چه هستیم و چه کارنامه‌ای داریم و مؤتلفه چه کرده است؟ این هم روشن است. مؤتلفه اسلامی از سال ۴۱ در خدمت امام خمینی (ره) در برابر توطئه براندازی اسلام از طرف آمریکا و انگلیس و اصلاحات انتخابانی جریان مقابل اصولگرایی را عیان کرد. در اردیبهشت ۴۲ به صورت تشکیلاتی فعال شده و در جریان‌های فیضیه و ۱۵ خرداد و کاپیتولاسیون آمریکایی شاه و فعالیت‌های مبارزاتی در کشور و در زندان‌های مخوف شاه و نیز مدیریت راهپیمایی‌های سال‌های ۵۶- ۵۷ و در کمیته استقبال امام نقش مؤثر داشته است که

«شبکه شرق» از نشست خبری جبهه اصلاحات ایران گزارش می‌دهد

قضاوت با مردم

«رای روزنه‌گشا» با اهداف و انتظارات حداقلی یا «سکوت انتخاباتی» مبتنی بر قاعده کار جمعی با تکیه بر آرمان بازگشت به مردم- دو وجه تصمیم انتخاباتی اصلاح‌طلبان است. بعد از عینی‌شدن رویه تکراری درصلاحتی‌های گسترده، تصور غالب این بود که جریان اصلاحات به تصمیم رسیده و قرار نیست کنشگری فعالی در اسفند ۱۴۰۲ داشته باشد. دو روز پیش با بیانیه ۱۱۰ نفر از کسانی که خود را «دغدغه‌مندان توسعه و مردم‌سالاری» معرفی کرده‌اند، ایده حمایت از «انتلافی از نامزدهای میانه‌رو، توسعه‌گرا و اصلاح‌گر در حوزه‌هایی که نامزدی برای رقابت مانده»، وجه دیگری از تصمیم انتخابانی جریان مقابل اصولگرایی را عیان کرد. احتمالا به‌همین‌دلیل با فاصله اندکی از انتشار این بیانیه، «جبهه اصلاحات ایران» در نشست‌ی خبری رویکرد خود درباره انتخابات مجلس دوازدهم را تشریح کرد؛ رویکردی که نه تحریم است، نه حضور و شاید بتوان آن را نوعی سکوت انتخاباتی توصیف کرد و الزاما به معنای رودررویی با گروه طرفدار «روزنه‌گشایی» به حساب نمی‌آید، زیرا که به قول رئیس کمیته راهبردی جبهه اصلاحات نشانه‌ای از به رسمیت شناختن تکثرگرایی در این جریان است و به نقل از رئیس جبهه اصلاحات قضاوت نهایی با مردم خواهد بود.

دشوری اصلاح‌طلب ماندن

در این نشست رسانه‌ای، آذر منصوری به‌عنوان رئیس جبهه اصلاحات، جواد امام، سخنگو و محمد سالاری از جایگاه رئیس کمیته برنامه‌ریزی و راهبردهای جبهه به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند. اغلب پرسش‌های مطرح‌شده به مسئله آینده این نوع کنشگری معطوف بود؛ کنشگری‌ای که چه از جنس

در تاریخ انقلاب اسلامی آمده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در همه صحنه‌ها کار بدون چشمداشت داشته و از مفاسد و رانت‌ها و سوءاستفاده‌ها و اختلاس‌ها و امور غیراخلاقی در باران مؤتلفه نمی‌توان چیزی یافت و عناصر و اعضای آن هر‌جا بودند خدمت صادقانه داشتند و شهدای فراوانی را تقدیم کردند. در مشکلات اقتصادی آنها دست‌ی ن‌دارند به اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاد آزاد، اقتصاد و عرضه و تقاضا، اقتصاد بازار عقیده ندارند و با اقتصاد چپ و سوسیالیستی و کمونیستی مخالفند، به اقتصاد اسلامی اعتقاد دارند که این‌جانب در کتاب اقتصاد اسلامی به بیان ساده شرح دادم. برای پیشرفت و اقتدار و عزت نظام جمهوری اسلامی و حل مشکلات و کمک به محرومین و آسیب‌دیدگان در حوادث طبیعی و سعادت ملت بزرگ ایران همواره کوشیده‌اند ولسی ذهنیت‌های غلط و التقاطی مثل مهندس موسوی و چپ‌گرایان و غرب‌زده‌ها نگذاشتند تلاش‌های آنان برای زندگانی ساده و مرفه اسلامی به ثمر برسد. و همواره مورد تهاجم و تهمت آنان قرار داشته است و دارد ولی پاکي و صداقت یاران

مؤتلفه باعث شده که توده مردم و بزرگان کشور همه بر سلامت و خدمت مؤتلفه گواهی می‌دهند ما از هر خدمتی از هر طرف و هر کس و هر جریان باشد احترام داریم. همان‌طور که از جزوه شرق درباره ایران باستان تشکر کردیم در مرور به گذشته هم نفی افتخارات گذشته ایران را نمی‌کنیم. و از این رو از هخامنشیان صحبت کردیم که دلیل نمی‌شود که آن نوع از حکومت را برای جامعه ما مفید بدانیم. ما حکومت و نظام و برنامه‌های اسلامی را قبول داریم. حکومت و نظام غرب را از جمله لیبرال و دموکراسی کاپیتالیستی را مربوط به غرب می‌دانیم. قانون‌گذاری غربی‌ها چون خدا را کنار زده‌اند و فرامین خداوند متعال و شرح انبیا را کنار گذاشته‌اند برای ایران و تمدن چند قرنی ایران و ملت مسلمان مفید نمی‌دانیم.

قانون قرآن و اسلام و قوانین مصوبه مجلس شورای اسلامی را قبول داریم و مثل تقی‌زاده اصلاحاتی غرب‌زده فکر نمی‌کنیم که ایرانی اگر بخواهد متمدن شود باید از موی سر تا ناخن با فرهنگی (غربی) شود. ملاحظه می‌فرمایید که موضوعات را برای خوانندگان شما روشن ساخته‌ایم. درباره میانی افکار ما اکنون هم معتقد به تمدن نوین اسلامی، جامعه نمونه اسلامی، دولت کریمه اسلامی هستیم که با تحول و تکامل متناسب با روز و اقتضات بین‌المللی باید اجرا شود و متعهد به استقلال فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی می‌باشیم. حالا نوبت شماست. لطفا عملکرد جریان اصلاح‌طلبی، افکار و عقاید آنها، عملکرد آنها در دولت اصلاحات دوم خرداری و دولت اصلاحات اعتدالی در مجلس سوم و ششم و روابط بین‌المللی را بیان فرمایید تا خوانندگان محترم از بیان شما با این عملکرد آشنا شوند و خود انتخاب نمایند.

درباره بحران یا مشکلات: متشکله‌اید ۱۰ بحران در کشور را اعلام کنیم. من معتقد هستم که کشور بحران ندارد. مشکل دارد آن هم به همت ملت در روند تحول و تکامل حل خواهد شد. از نظر علمی هم تعریف بحران مشخص است و مطابق تعریف علمی در ایران بحران نداریم. نابسامانی یا مشکلات غیر از بحران هستند.

اما شما ۱۰ بحران را نام ببرید و مشکلات را شمارش کنید راه‌حل‌های خودتان را هم بنویسید. قطعا بررسی می‌کنیم و اگر صحیح بود با شما در حل مشکلات هم‌فکری می‌کنیم همچنین راهکارهای خود را برای اداره کشور در شرایط فعلی بیان نمایم، موجب خوشحالی خواهد شد. ما استمرار غرب و غرب‌گرایی و غرب‌زدگی را مضر دانسته و راهکارهای غربی را برای کشورهای مسلمان و مستقل جز در مواردی که ربطی به غرب ندارد مفید و مشکل‌گشا نمی‌دانیم. این امر ربطی به استفاده از تجربیات غرب و دانش غربی ندارد که قابل استفاده هستند و برای غربی‌ها هم خوبند. مثلا دموکراسی غربی برای غربی‌ها خوب است برای ایران مردم‌سالاری اسلامی مفید است و آزادی و استقلال و حکومت مردمی را بهتر از دموکراسی تبیین می‌نماید. باز تکرار می‌کنم اگر نظریات این‌جانب درباره جریان اصلاحات وارداتی غربی و اصلاحات داخلی رو به غرب را صحیح نمی‌دانی، د صحیح آن را ر بنویست تا مخاطبان ما استفاده کنند.

با دعای خیر

دکتر اسدالله بادام‌چیان، دبیر کل

مدتی می‌شود که پذیرای گفت‌وگوی کتبی اسدالله بادام‌چیان، دبیر کل مؤتلفه و مهدی رحمانیان، مدیرمسئول روزنامه «شرق» هستیم. در این مدت بی‌شک برای ما یکی از بهترین اتفاقات رسانه‌ای رقم خورد و آن هم اینکه در روزنامه «شرق» و میان دو طیف فکری مختلف، تعاملی جدی و بدون روتوش صورت گرفت و بر همین اساس ما می‌توانیم بر خود ببالیم که در پاسداشت گفت‌وگو حرکت کرده‌ایم. از همین منظر نیز همواره از صاحب‌نظران با ایده‌ها و اندیشه‌های مختلف دعوت کرده‌ایم که «شرق» را مأوای گفت‌وگو بدانند و برای ایرانی سربلندتر، میزبانی ما را در گفت‌وگو بپذیرند. چون معتقدیم فرهنگ گفت‌وگو به عنوان یکی از ابزارهای زیربنایی توسعه نقش ویژه‌ای در پیشرفت و ساماندهی مسیر رشد ایفا می‌کند. به همین خاطر قطعا روند ترویج گفت‌وگو را ادامه خواهیم داد تا در فرایند توسعه کاهی هرچند کوچک برداشته باشیم، گفت‌وگوی مهدی رحمانیان و اسدالله بادام‌چیان نیز دقیقا به نقطه‌ای رسیده است که قصد دارد از این مرحله به بعد با عبور از کنار چالش‌های سیاسی به طرح بحران‌ها و مشکلاتی بپردازد که می‌توانند پروژه پیشرفت را در ایران کند و مختل کنند. یافتن راهبرد برای غلبه بر این موانع نیز باید دغدغه ادامه این گفت‌وگو‌ها باشد. بادامچیان معتقد است در ایران مشکل داریم اما بحران نه، رحمانیان نیز می‌گوید اسم موانع هرچه باشد اگر برطرف نشوند می‌توانند برای ایران آسیب‌زا باشند. متن گفت‌وگوی مکتوب دبیر کل مؤتلفه با مدیرمسئول «شرق» را در ادامه می‌خوانید:

مهدی رحمانیان:

اسم موانع، مشکل مانع، مشکل باشد یا بحران برای رفع آن راهکار بدهید



جناب آقای اسدالله بادام‌چیان دبیر کل محترم حزب مؤتلفه اسلامی با درود و سلام و آرزوی سلامت و طول عمر برای شما، مانند چند نامه پیشین، از مقدمه می‌گذرم و به اصل موضوع می‌پردازم: جناب دبیر کل، در ابتدا لازم است از شما تشکر کنم؛ به جای مسیری که می‌توانست بدون حصول به نتیجه‌ای مطلوب، تا ابد ادامه پیدا کند، سبک و سیاق پیشنهادی این‌جانب را پذیرفتید تا از سخنان تکراری و بارها گفته‌شده پرهیز کنیم و به مشکلات و معضلات کشور بپردازیم و هر دو سعی کنیم برای این مشکلات در حد بضاعت پیشنهادهای راهگشایی را طرح و روش‌های عملیاتی آن را هم ذکر کنیم. قطعا انتشار این نظرات می‌تواند سندی قابل ارجاع برای بررسی عمق و غنای افکار و اندیشه‌های هر دو سوب گفت‌وگو باشد.

باز وارد مجادله‌ای بی‌پایان شویم. پس اجازه فرمایید از آن بحث تکراری که دوباره مطرح کرده‌اید بگذریم، زیرا هم ما و هم خوانندگان، دیگر کاملا به نقطه نظرات شما آگاهییم و می‌دانیم با اصلاح‌طلبی مخالفید و «عملکرد این جریان را مضر و مشکل‌آفرین» می‌دانید؛ ازاین‌رو دوباره گفتن آن سخنان چیزی به آگاهی خوانندگان اضافه نمی‌کند، به‌ویژه شما با وجود اینکه اصلاح‌طلبی را «مضر و مشکل‌آفرین» می‌دانید، خوشبختانه گفت‌وگو با این جریان مضر را بی‌فایده نمی‌دانید؛ چراکه اگر این گفت‌وگو را مفید نمی‌دانستید، اصلا وارد بحث نمی‌شدید یا اینکه اگر هم ورود می‌کردید، در این دوره یک‌ساله و در ۱۲ گفت‌وگوی مکتوب آن را ادامه نمی‌دادید. ازاین‌رو از آنجایی که انتشار نظرات خود را در یک روزنامه اصلاح‌طلب که احتمالا از نظر شما مانند خود اصلاح‌طلبی مضر است، بی‌فایده نمی‌دانید، می‌توان تصور کرد که شما، نه همیشه، که در مواردی اصلاح‌طلبی را باعث ثمراتی می‌دانید که نه‌تنها چندان بی‌فایده نیست بلکه گاهی می‌تواند مفید هم باشد. شاهد آن، انتشار همین مطالب در روزنامه شرق است که رویکردی اصلاح‌طلبانه دارد. پس می‌توان امیدوار بود این حد از فایده، به مرور زمان در نگاه شما عمق و بسط یابد و موارد دیگر را نیز شامل شود. به نظرم تا همین‌جا هم این گفت‌وگو نتیجه‌بخش بوده است، چراکه با وجود آن حکم کلی در «عملکرد این جریان را مضر و مشکل‌آفرین» می‌دانید، خوب است ضمن تجدید نظر بپذیرید این فضا و روحیه اصلاح‌طلبی است که فرصت گفت‌وگو را ایجاد می‌کند. جناب آقای بادام‌چیان، از آنجا که قصد مجادله نداریم بلکه می‌خواهیم برای آنچه شما نابسامانی و مشکلات کشور نام می‌نهد راهکاری بیابیم، به همین عبارات جناب‌عالی بسنده می‌کنیم و مطابق گفته شما آنها را نابسامانی و مشکل می‌نامیم و چون غرض، یافتن راه‌حل است، بر سر کلمات مجادله نمی‌کنیم. البته جناب بادام‌چیان گرامی، قرار نیست من از مشکلات کشور بگویم و شما به دوری بنشینید، بلکه این‌گونه است که روزنامه ما، ۱۰ مشکل را از منظر خود طرح کرده و در مورد آنها راه‌حل ارائه می‌دهد. شما هم ۱۰ مشکل را از منظر خود طرح کرده و راه‌حل آنها را بیان بفرمایید. دآوری هم با خوانندگان خواهد بود که کدام‌یک از آن مشکلات واقعا نابسامانی است و کشور و مردم را تهدید می‌کند و کدام راه‌حل مستدل و کارشناسی طرح شده است.

و اما جناب بادام‌چیان عزیز، تا اینجا ی گفت‌وگو، هم شما و هم من به این توافق رسیده‌ایم که فارغ از اینکه آنچه را پیش‌روی کشور است، بحران بنامیم یا مشکل، سرزمین و مردم ما با مباحث و موضوعاتی روبه‌رو هستند که چاره‌ای غیر از حل آنها وجود ندارد و اگر در همه این ۴۵ سال، به هر دلیلی حل اینها به تأخیر انداخته شده یا منکر آنها شده‌ایم، اینک دیگر زمانی برای تأخیر یا امکانی برای منکرشدن آنها وجود ندارد. حتما از این دعایی که به کوروش نسبت داده‌اند مطلعید و فارغ از آنکه این دعا از آن باشد یا نه، از واقعیتی حکایت دارد که ناچاریم به آن توجه کنیم؛ «خدایا، سرزمین مرا از دشمن، از خشکسالی و از دروغ در امان بدار». این گفته از حقیقتی بزرگ حکایت دارد؛ اینکه کشور عزیزمان از هزاران سال پیش دنبال جریانی می‌گردد که بتواند در داخل کشور مطالبات جامعه را نمایندگی کند، او می‌گوید به نظر جبهه اصلاحات شاهد شکاف جداترکی میان جامعه و حاکمیت هستیم و این جبهه بنا بر تجربه ۹۲ تا ۹۶ و با توجه به بیانیه گام دوم، شرایط انتخابات و جایگاه نهادهای انتخابی با رأی بیش از دوسوم مجمع عمومی توصیه‌ای به شهروندان را کاندیداهای داشته و موضع خود را مشخص کرده است؛ اما آن‌طور که منصوری تأکید می‌کند، این موضع‌گیری‌ها به معنای «قهر با صندوق و انتخابات» نیست و پیامش این است «صندوقی را که از مردم گرفته شده، به صاحبان اصلی آن بازگردانیم».

تأیید صلاحیت شده؛ حداکثر ۳۰ نفر

تعداد نامزدهای احراز صلاحیت شده اصلاح‌طلب به این معنا که با احزاب اصلاح‌طلب ارتباط تشکیلاتی داشته باشند، بسیار اندک است. تا آنجا که جبهه اصلاحات معتقد است از اساس امکان تدوین یک فهرست انتخاباتی از آنها سلب شده است. جواد امام در پاسخ به پرسشی درباره آمار واقعی کسانی که در کشور امکان رقابت دارند، توضیح داد: «جبهه توصیه‌ای برای ثبت‌نام نداشته؛ بنابراین آمار رسمی در اختیار ندارد، اما مشخص احزابی که تلاش کردند در این مسیر حرکت کنند، به ما اعلام کرده‌اند که تنها شش عضو رسمی احزاب عضو جریان اصلاح‌طلب احراز صلاحیت شده و در کل کشور با میناها و ترازهایی که احزاب داشته‌اند، مجموعا تعداد کاندیداها به ۳۰ نفر می‌رسد.

۲گانه تحریم و مشارکت

بعد از اعلام نظر جبهه اصلاحات برخی منتقدان بر این باور بودند که چون اصلاح‌طلبان دیگر قادر نیستند سرمد را پای صندوق‌های رأی بیاورند، این نوع از کنشگری را انتخاب کرده‌اند. ناظران فضای سیاسی این پرسش‌ها را مطرح می‌کردند که چرا اصلاح‌طلبان با وجود همین «نظارت استصوابی» در دوره‌های پیشین تن به انتقال دادند؛ اما این بار نه؟ اساسا چرا نه حاضرند صراحتا انتخابات را تحریم کنند و نه حاضر به بازی در همین زمین طراحی‌شده موجود هستند؟ جبران اصلاحات مدعی است که دوره‌های اخیر متناسب با شرایط و اقتضات هر دوره تصمیماتی

قهر و عبور و تحریم انتخابات کند.

«روزنه گشایی» در مواضع جبهه اصلاحات تأثیر گذار است؟
به گفته آذر منصوری، جبهه اصلاحات متشکل از ۳۱ حزب و ۱۵ عضو حقیقی است که در مسیری دموکراتیک تصمیم‌گیری و اعلام موضع کرده و بیانیه اخیر آن موضع مجمع عمومی جبهه اصلاحات بوده است. همچنین به گفته او در استان‌ها هم تکلیف مشخص است؛ گرچه مرکز برای استان‌ها تکلیف تعیین نکرده و جبهه اصلاحات در هر استان در روندی دموکراتیک تصمیم‌گیری می‌کند. بنابراین به نظر نمی‌رسد که بیانیه ۱۱۰نفر تغییر در نگاه جبهه اصلاحات ایجاد کرده باشد؛ همان‌طور که منصوری در این زمینه توضیح می‌دهد: «تلاش این بوده که به‌عنوان منسجم‌ترین تشکیلات اصلاح‌طلبان اعلام موضع کرده و بیشترین میزان همفکری و هم‌گرایی را داشته باشیم، اما ممکن است افرادی نگاه دیگری داشته باشند. وقتی بیانیه منتشر شد و متن را مطالعه کردم، متوجه شدم تمام مطالب آن در جبهه اصلاحات با احزاب عضو، بدنه احزاب و... به بحث و گفت‌وگو گذاشته شده و تصمیم با اکثریتی که بیش از دوسوم بوده‌اند، اتخاذ شده است که اگر به قاعده کار جمعی باور داشته باشیم، این تصمیم یکی از باپشتوانه‌ترین تصمیمات اصلاحات بوده است». رئیس جبهه اصلاحات گرچه گفت «حتما در جلسه بعدی جبهه اصلاحات به بیانیه روزنه‌گشایی می‌پردازیم»، اما به نظر نمی‌رسد خروجی این جلسه تفاوت فاحشی با نگاه امروز جبهه داشته باشد؛ کمابینکه منصوری قضاوت درباره رویکردهای متفاوت اصلاح‌طلبان نسبت به انتخابات را بر عهده مردم گذاشته و تأکید کرد: «داوران اصلی مردم هستند؛ قضاوت اصلی را باید به مردم سپرد». سالاری هم جریان اصلاحات را پویا و کثرت‌گرا توصیف کرد و گفت: «تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این جریان از پایین به بالاست. اینکه امروز تعدادی از دوستان تحول‌گرا و توسعه‌گرا رویکردهای دیگری را برای عبور از تنگناهای ایجادشده پیشنهاد دهند، نه باعث دلخوری است و نه ناراحتی، اما این بیانیه تصمیم جبهه اصلاحات نیست».

اتخاذ کرده است. اگرچه به نظر نمی‌آید جز سیکل «اندکی گشایش

در یک دوره و انسداد دوباره در دوره‌ای دیگر» چیزی در این معادله تغییر کرده باشد. آذر منصوری در توضیح تصمیم‌گیری‌های ادواری اصلاح‌طلبان می‌گوید: «این انتخابات نه اولین و نه آخرین انتخاباتی است که اصلاح‌طلبان در آن سیاست‌ورزی می‌کنند. اصلاح‌طلبان بنا بر تحلیلی که از جامعه و حاکمیت دارند، تصمیم می‌گیرند در انتخابات شرکت کنند یا نه. در بزنگاه انتخابات ریاست‌جمهوری هم به اقتضای شرایط تصمیم‌گیری خواهند کرد. نه ما، نه هیچ شهروند و نه هیچ مقام مسئولی در این کشور حق ندارد برای شهروندان از بابت رأی دادن و رأی‌ندان تعیین تکلیف کند؛ اما یکی از الزامات مشارکت یک جریان سیاسی در انتخابات این است که بتوان افرادی را به صلاحیت‌شده‌ها دارد، عدم مشارکت در انتخابات حلقه حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری از چه منطقی پیروی می‌کند؟ رئیس کمیته راهبردهای جبهه اصلاحات درباره رویکردهای این جبهه توضیح داد: «یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در انتخابات نسبت مردم و نهادهای مدنی با حاکمیت و مشارکتی و آزادبودن انتخابات است و البته مهم‌تر از همه تأثیرگذاری انتخابات. انتخابات نهاد انتخاب‌کنانه‌ترین پروژه جریان جبهه اصلاحات از ابتدای تشکیل بوده است. کسی حق ندارد جریان اصلاح‌طلبی را متهم به